



نقش انرژی در الگوهای همگرایی غرب آسیا

دکتر رحمت حاجی مینه^۱، ابراهیم رضایی راد^۲

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

انرژی از گذشته تا به امروز مورد توجه بوده است. در واقع انرژی به عنصری بسیار مهم در اقتصاد روابط بین‌الملل مبدل شده است. جنگ اوکراین نشان داد که بحث انرژی تنها معطوف به اقتصاد نبوده و نقش پررنگی در سیاست روابط بین‌الملل ایفا می‌نماید. به بیانی دیگر ما شاهد استفاده از انرژی به عنوان سلاح سیاسی در خلال جنگ اوکراین بودیم. انرژی در سال‌های اخیر نشان داده است که در شکل‌گیری، تداوم و همگرایی در منطقه غرب آسیا نقش جدی را ایفا می‌نماید. در همین راستا در این مقاله و با بهره‌گیری از چارچوب نظری وابستگی متقابل و بهره‌گیری از روش ترکیبی کمی و کیفی به این سوال پاسخ داده شود که انرژی چه نقشی را در همگرایی غرب آسیا ایفا می‌نماید؟ بر همین اساس در این مقاله بر اساس فرضیه اصلی آن بیان می‌دارد که انرژی با توجه به اهمیت فراوان آن در تمامی ابعاد نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری همگرایی در منطقه غرب آسیا دارد. یافته‌های پژوهش حکایت از این موضوع دارد که انرژی در ائتلاف‌های منطقه‌ای نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارد که این موضوع سبب گسترش ائتلاف‌ها و همگرایی در مناطق مختلف جهان به خصوص غرب آسیا به واسطه وابستگی متقابل ناشی از الزامات انرژی شده است.

کلید واژگان: انرژی، وابستگی متقابل، ائتلاف‌های منطقه‌ای، اقتصاد سیاسی، غرب آسیا

^۱ دانشجویان روابط بین‌الملل، گروه حقوق، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول،

ایمیل: r.hajimineh@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

پس از انقلاب صنعتی و گسترش کارخانه های گوناگون در سراسر جهان از یک سو و از سویی دیگر گسترش حمل و نقل، موجب جلب توجه کشورها به انرژی شد. در ابتدا ذغال سنگ مورد توجه بود و پس از گذشت سال ها از آن دوران، بیشتر توجهات به نفت جلب شد. گسترش قابل توجه اکتشافات نفت سبب شد که در مناطق مختلف دنیا منابع قابل توجه نفت کشف شد. یکی از مناطقی که دارای چاه های نفت بسیار قدیمی در جهان است، منطقه غرب آسیا یا خاورمیانه است. منطقه ای که در جهان با سوخت های فسیلی شناخته می شود و ۴۸ درصد از ذخایر نفت و ۴۳ درصد گاز جهان در این منطقه قرار دارد. (احمدی، ۱۴۰۰: ۲۴۶). پیوند شدید میان غرب آسیا و سوخت های فسیلی باعث شده است که انرژی به عنصری مهم در این منطقه مبدل شود. عنصری که سرآغاز درگیری، دشمنی، دوستی و همکاری در این منطقه است. همچنین کشورهای منطقه مانند ایران و سایر کشورهای غرب آسیا چشم انداز هایی برای انرژی های تجدید پذیر ترسیم کنند که این موضوع نیز می تواند موجب همکاری های کشورهای منطقه غرب آسیا با کشورهای غربی و اروپایی شود (Hajimineh, 2024:6).

با توجه به اثرگذاری انرژی بر روی ابعاد گوناگون سیاست و اقتصاد، نقش آن در تحولات منطقه غیر قابل چشم پوشی است. از گذشته شاهد این موضوع بودیم که

تحولات سیاسی بر روی قیمت انرژی اثری مستقیم دارد که در بحران هایی مانند جنگ ایران و عراق تکانه های شدید قیمتی را شاهد هستیم که بر روی اقتصاد و سیاست نه تنها کشورهای منطقه بلکه بر روی تمام مناطق جهان تاثیر می گذارد (Hamilton, 2013: 17-18). با توجه به نقش پر رنگ انرژی طبیعی است که نقش کلیدی در الگوهای همگرایی در منطقه غرب آسیا ایجاد نماید. گرچه نقش انرژی در هر دو الگو قابل توجه است اما بررسی ها نشان می دهد که نقش آن در الگوهای همگرایی پررنگ تر است که این موضوع سبب ایجاد همکاری و طرح های مشترک در منطقه شده است. اگرچه برخی طرح ها و یا سیاست ها موجب ایجاد برخی مشکلات، درگیری و تنش می شود که قابل مطالعه و بررسی است.

در همین راستا در این مقاله و با بهره گیری از چارچوب نظری وابستگی متقابل، بهره گیری از روش ترکیبی کمی و کیفی به این سوال پاسخ داده شود که انرژی چه نقشی را در همگرایی غرب آسیا ایفا می نماید؟ این مقاله بر اساس فرضیه اصلی آن بیان می دارد که انرژی با توجه به اهمیت فراوان آن در تمامی ابعاد نقش بسیار مهمی در شکل گیری همگرایی در منطقه غرب آسیا دارد.

۱- ادبیات پژوهش

پژوهش هایی در خصوص نقش انرژی در همگرایی انجام شده که تلاش می شود در این بخش به بررسی چند آثار پردازیم و آن ها را مطالعه نماییم. همچنین در انتها این بخش نوآوری و ضرورت پژوهش حاضر را مشخص می نماییم.

اولاویا^۱ (2021) با عنوان مقاله آیا صنایع استخراجی خاورمیانه و شمال آفریقا می توانند از انتقال انرژی جهانی حمایت کنند؟ فرصت های فعلی و جهت گیری های آینده. در این مقاله نویسنده بیان می کند که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با برخورداری از نیمی از ذخایر شناخته شده نفت و گاز جهان، و همچنین ذخایر قابل توجهی از منابع معدنی، همواره بخش قابل توجهی از تولید و عرضه منابع استخراجی جهانی را به خود اختصاص داده است. همچنین نویسنده بررسی می کند که چگونه صنایع استخراجی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می توانند نقش های مهمی در انتقال انرژی جهانی ایفا کنند.

محمدسیددیقوف^۲ و توراعف^۳ (۲۰۲۰) مقاله ای با عنوان تأثیر عامل انرژی بر روابط بین الملل مدرن که در این مقاله نویسندگان به بررسی جنبه های نظری و روش شناختی مسئله امنیت انرژی می پردازد که امروزه به موضوعی ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. به طور خاص، تفاسیر مفهوم امنیت انرژی، تبدیل آن به یک عامل ژئوپلیتیکی و عناصر ساختاری امنیت انرژی برجسته می شود. در عین حال،

¹ Olawuyi

² Mukhammadsidiqov

³ Turaev

در این مقاله تلاش شده است تا مقیاس تهدیدات برای امنیت انرژی و عوامل مخربی که امنیت انرژی را مرتبط می‌سازد، تأثیر آنها بر روابط بین‌دولتی و بی‌ثباتی سیاسی آشکار شود.

وهاو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان تأثیر همکاری انرژی و نقش ابتکار یک کمر بند و یک جاده در انقلابی کردن ژئوپلیتیک انرژی در بین قدرت های اقتصادی منطقه: تحلیل توسعه زیرساخت و مدیریت پروژه مطرح کرده است که چگونه آخرین طرح بزرگ و ابتکار کمر بند و جاده^۲ بر ژئوپلیتیک انرژی و توسعه زیرساختی تأثیر می‌گذارد. با تغییر گسترده در عرضه و تقاضای انرژی جهانی و زیرساخت های آن، انتقال نظم بین المللی انرژی در حال شکل گیری است. در حالی که ایالات متحده از نقش ابرقدرت سنتی خود به سمت مسیر انزوا گرایانه تری پیش می‌رود، اقتصادهای رو به رشدی مانند چین، هند، ژاپن و روسیه وجود دارند که بدون شک نقشی حیاتی در مرحله ژئوپلیتیک و سایر تلاش های توسعه ایفا می‌کنند. در این انتقال، BRI قرار است نقش مهمی ایفا کند. به عنوان یک استراتژی توسعه بزرگ با یک بعد ژئواستراتژیک قوی، هدف آن حمایت از همکاری های ارتباطی در چارچوب، مبادله و پیشرفت در میان کشورهای مشارکت کننده است.

روبین میلز^۳ (۲۰۱۸) مقاله ای با عنوان تکامل شارهای انرژی و مدل های همکاری در خاورمیانه که در آن نویسنده بیان می‌کند منطقه خاورمیانه علاوه بر دارا بودن

¹ Wu Hao

² BRI

³ Robin Mills

ذخایر فراوان انرژی نتوانسته است مانند سایر مناطق جهان از پیشرفت قابل توجهی برخوردار باشد. اگرچه دلایلی مانند مشکلات اقتصادی، اختلافات عقیدتی و سیاسی سبب شده است که همکاری‌ها در زمینه انرژی کم‌رنگ بماند.

همانطور که مشاهده شد گرچه مقالاتی به بررسی نقش انرژی در همکاری کشورهای غرب آسیا پرداخته است اما مقاله‌ای به نقش همگرایی انرژی پرداخته است. به همین دلیل در این مقاله تلاش شده است به نقش انرژی در الگوهای همگرایی در غرب آسیا پردازد که موضوعی بسیار مهم است.

۲- مبانی نظری: وابستگی متقابل

در این مقاله تلاش شده تا با بهره‌گیری از چهارچوب نظری وابستگی متقابل به بررسی نقش انرژی در الگوهای همگرایی غرب آسیا پردازیم. نظریه وابستگی متقابل که توسط رابرت کیوهن^۱ و جوزف نای^۲ مطرح شده است. یکی از نظریات بسیار مهم در عرصه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. پس از پایان جنگ جهانی دوم و لزوم همکاری چندجانبه و جهانی در راستای بازسازی و ویرانی‌های ناشی از جنگ جهانی، کشورهای جهان تمایل بسیاری در خصوص وابستگی اقتصادی به یکدیگر داشتند. معرفی نظریه وابستگی متقابل در دهه ۱۹۷۰ و بحث‌های نئولیبرالیسم توسط رابرت کوهن و جوزف نای نیز تا حد زیادی مرهون تحولات انرژی و بحران‌های معروف انرژی در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ بوده است. تولیدکنندگان نفت در جهان حیاتی بودند، این موضوع نیازهای کشورهای

¹ Robert Keohane

² Joseph Samuel Nye

صادرکننده نفت مورد توجه و پذیرش جامعه جهانی قرار گرفت و شاهد شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی^۱ در سال ۱۹۷۴ برای جلوگیری از هرج و مرج در سیاست جهانی انرژی بودیم (حاجی‌مینه، ۱۴۰۰: ۱۲).

نظریه وابستگی متقابل روابط بین افراد را از نظر ساختار موقعیت تجزیه و تحلیل می‌کند و ساختار را با استفاده از متغیرهایی مانند وابستگی، تنوع منافع و اطمینان اطلاعات توصیف می‌کند (Rusbult, 2008: 2050-2051). رابرت کیوهن و جوزف نای وابستگی را به معنای وضعیتی می‌دانند که دولت تحت تاثیر یا برآمده و شکل گرفته از یک نیروی خارجی است. همچنین این دو وابستگی متقابل را وابستگی دو طرفه مطرح و عنوان می‌کنند. به بیانی، وابستگی متقابل شرایطی است که دو کشور از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند که این موضوع می‌تواند در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن باشد. یا به تعریفی دیگر وابستگی متقابل را نوعی پیوند مثبت میان دولت‌ها بدانیم که تغییرات در منافع کشورها موجب تغییرات در سایر کشورها می‌شود (کیوهن و جوزف نای، ۱۳۹۹). نکته بسیار مهمی که نای و کیوهن عنوان می‌کنند در خصوص رابطه قدرت و وابستگی است. به عقیده این دو اندیشمند، قدرت که در دوره ای نظامی بود تغییر یافته و دستیابی و دارا بودن ذخایر دارا اهمیت است. این نکته سبب می‌شود که چانه زنی سیاسی در این خصوص صورت بگیرد. کیوهن و نای با تعریف وابستگی متقابل با سود دوجانب مخالفت میکنند و بر این باور هستند که گاهی وابستگی متقابل نتایج منفی دارد که دوطرف با گسست رابطه با وجود منافع ابراز رضایت می‌کنند. (شایان، ۱۴۰۲: ۲۰۹)

¹ IEA

در همین راستا انرژی، به عنصری مهم در خصوص الگوی همگرایی در منطقه غرب آسیا مبدل شده است. انرژی موجب درهم تنیدگی و پیوستگی اقتصادی میان کشورهای این منطقه و قدرتهای خارجی شده است. پیوندهایی که بر اساس نظریه وابستگی متقابل شکل گرفته است. این وابستگی متقابل به دو صورت است. دسته اول وابستگی میان کشورهای تولید کننده نفت و مشتری های آن ها مانند کشورهای چین، هند و غیره که نیاز و وابستگی دو طرفه موجب الگوهای همگرایی و همکاری میان دو طرف می شود. دسته بعدی، همکاری میان دو کشور به عنوان مثال ترکمنستان و آذربایجان در خصوص خط لوله ترانس خزر است که در نهایت به مشتری های اروپایی خود صادر می شود. این نوع همکاری و وابستگی ها در منطقه غرب آسیا سبب شده است که نقش انرژی به عنوان الگوی همگرایی پر رنگ تر از الگوهای واگرایی باشد.

۳- منابع نفت و گاز در غرب آسیا

۳-۱- نفت خام:

منطقه غرب آسیا، از زمان پیدایش نفت به عنوان قطب و مرکز انرژی دنیا شناخته می شود. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و برآمدن کشورهای جدید در منطقه غرب آسیا، شاهد موج جدیدی از تلاش برای اکتشافات در زمینه نفت در این منطقه بودیم (Bichler, 2020:422-424) از زمان کشف نفت، قدرت های بزرگ در این منطقه حضور داشته و بر سیاست کشورهای تاثیرات فراوانی داشته اند که این موضوع گاهی منجر به تغییر دولت هایی مانند دولت دکتر

مصدق شد که با غرب و شوروی هم سو نبودند (Auzanneau, 2020: 198-202) کشورهای منطقه نیز با توجه به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز، دست به سرمایه گذاری های گسترده در زمینه های گوناگون داشته اند که در برخی کشورها با شکست رو به رو شد. برای درک بهتر میزان ذخایر نفت سه کشور منطقه غرب آسیا یعنی ایران، عراق و عربستان سعودی در جدول شماره یک آورده شده است.

نمودار شماره یک: میزان ذخایر اثبات شده نفت ایران، عراق و عربستان سعودی

Oil: Total proved reserves	At end 2000 Thousand million barrels	At end 2010 Thousand million barrels	At end 2019 Thousand million barrels	At end 2020 Thousand million barrels	Thousand million tones	Share of total
Iran	99.5	151.2	157.8	157.8	21.7	9.1%
Iraq	112.5	115.0	145.0	145.0	19.6	8.4%
Saudi Arabia	262.8	264.5	297.6	297.5	40.9	17.2%

منبع: Statistical Review of World Energy 2022

همانطور که مشاهده می شود سه کشور ذکر شده نزدیک به سی و پنج درصد از ذخایر نفت دنیا را در اختیار دارند. کشور ایران نیز با دارا بودن سهم نه درصدی از کشورهایی است که اهمیت بسیار بالایی در زمینه بازار نفت در جهان دارد. سه کشوری که از پایه گذاران سازمان اوپک بودند و با تشکیل این سازمان و نقش آن ها بر انرژی و نفت در جهان، نقش خاورمیانه بیش از

گذشته مورد توجه قرار گرفت (Claes,2020:4-5). در ادامه به بررسی میزان تولید نفت سه کشور فوق مورد بررسی قرار می گیرد. در جدول شماره دو شاهد میزان تولید نفت سه کشور ایران، عراق و عربستان سعودی هستیم.

نمودار شماره دو: میزان تولید نفت کشورهای ایران، عراق و عربستان سعودی

Oil: Production of a million tonnes	2016	2017	2018	2019	2020	2021	Growth rate per annum 2021	2009-2021
Iran	216.1	231.9	219.2	158.3	143.2	167.7	17.4%	-2.3%
Iraq	217.6	222.4	227.0	234.2	202.0	200.8	-0.3%	4.0%
Saudi Arabia	586.7	559.3	576.8	556.6	519.6	515.0	-0.6%	-0.1%

منبع: Statistical Review of World Energy 2022

کشور ایران با توجه به تحریم های نفتی، در سال های اخیر و همچنین پاندمی کرونا فروش نفت و درآمدهای حاصل از آن کاهش داشته است. این موضوع از یک سو و افزایش تولید کشورهایمانند عراق و عربستان سعودی از سوی دیگر موجب آن شد که ایران نقش و مشتری های خود در زمینه نفت را از دست بدهد (Razavi,2020:203-204).

۲-۳- گاز طبیعی

ایران پس از روسیه دومین کشور دارای ذخایر گازی در جهان است. اما برخی کارشناسان معتقدند با کشف میدان گازی چالوس که در پایان سال ۲۰۲۱ کشف شد، ایران به رتبه نخست برخورداری از ذخایر گازی در جهان ارتقا یافته است. همانطور که در بخش نفت گفته شد، صنعت گاز ایران نیز، نیاز به سرمایه گذاری گسترده دارد. می توان گفت تحریم ها مانع از توسعه و اکتشاف میادین گازی در ایران شده است. در سالهای اخیر، وزارت نفت ایران تمام توجه و سرمایه گذاری خود را بر روی میدان پارس جنوبی متمرکز کرده است. سایر میدان های کشف شده در ایران بلااستفاده هستند و توسعه آن همچنان باقی است. در جدول شماره سه شاهد میزان ذخایر گاز طبیعی در چهار کشور؛ ایران، آمریکا، روسیه و قطر را شاهد هستیم.

جدول شماره سه: میزان ذخایر ثابت شده گاز در کشورهای منتخب

Natural gas Total proved reserves	At end 2000 Trillion cubic meters	At end 2010 Trillion cubic meters	At end 2019 Trillion cubic meters	At end 2020 Trillion cubic meters	Trillion cubic feet	Share of total
Iran	25.4	32.3	32.1	32.1	1133.6	17.1%
US	4.8	8.3	12.6	12.6	445.6	6.7%
Russian Federation	33.2	34.1	37.6	37.4	1320.5	19.9%
Qatar	14.9	25.9	24.7	24.7	871.1	13.1%

منبع: Statistical Review of World Energy 2022

نکته بسیار مهم در خصوص کشورهای دارای ذخایر گاز طبیعی جهان، جایگاه ایران در این خصوص است. ایران با دارا بودن ۱۷ درصد از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی در جهان، جایگاه دوم را در اختیار دارد.

۴- خطوط لوله منطقه غرب آسیا

خطوط لوله ها با توجه به انتقال انرژی و به خصوص گاز طبیعی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند. خطوط لوله حداقل میان دو کشور بوده که این موضوع سبب افزایش همکاری ها در این خصوص می شود. علاوه بر این، امروزه شاهد خطوط لوله هایی هستیم که از درون چند کشور گذاشته و سپس به مقصد نهایی خود می رسد. این نکته نشان می دهد که خطوط لوله می تواند به عاملی مبدل شود که این موضوع سبب همکاری در زمینه های گوناگون می شود. برای بررسی دقیق تر این موضوع، به بررسی چند خط لوله در منطقه غرب آسیا و نقش آن ها در ایجاد همکاری و همگرایی در میان کشورهای مختلف می پردازیم.

۱-۴- خط لوله تاپی^۱

تصویر شماره یک: خط لوله تاپی



منبع: AKIPRESS.COM, 2014

خط لوله تاپی به عنوان خط لوله ترانس افغانستان نیز شناخته می شود (Heer, 2023:63) که با مشارکت بانک توسعه آسیا در حال ساخته شدن است. نام خط لوله تاپی گرفته شده از اول کلمات کشورهای ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند است. خط لوله تاپی که خط لوله گاز طبیعی است به طول ۲۰۰۰ کیلومتر که از چهار کشور عبور می کند. طرح پروژه خط لوله تاپی ابتدا از دهه ۱۹۹۰ برای افزایش درآمد گازی کشور ترکمنستان طراحی شد. در ۱۵ مارس ۱۹۹۵ امضای یادداشت تفاهم میان ترکمنستان و پاکستان آغاز کار خط لوله تاپی بود (Yildirim, 2023:364). در سال ۲۰۰۱ بانک توسعه آسیایی به عنوان دبیرخانه کمیته راهبردی خط لوله تاپی انتخاب شد.

¹ TAPI pipeline

بر اساس قراردادی که بین ترکمنستان و افغانستان به امضا رسید کشور ترکمنستان سالانه ۴۰۰ میلیون دلار به عنوان حق ترانزیت خط لوله تاپی دریافت می کند. ۸۱۶ کیلومتر از ۱۸۴ کیلومتر خط لوله تاپی از کشور افغانستان عبور می کند. آغاز خط لوله تاپی از میدان گازی گالکینیش ترکمنستان است. هزینه ساخت خط لوله تاپی ۷.۷۴ میلیارد دلار آمریکا است (Ali,2021:87). خط لوله تاپی در کشور ترکمنستان از ولایات هرات و قندهار عبور می کند. با عبور خط لوله تاپی از افغانستان به کشور پاکستان از طریق کوئته و مولتان عبور می کند و مقصد نهایی آن شهر فضیلکا هند که در نزدیکی مرز پاکستان قرار دارد می رسد.

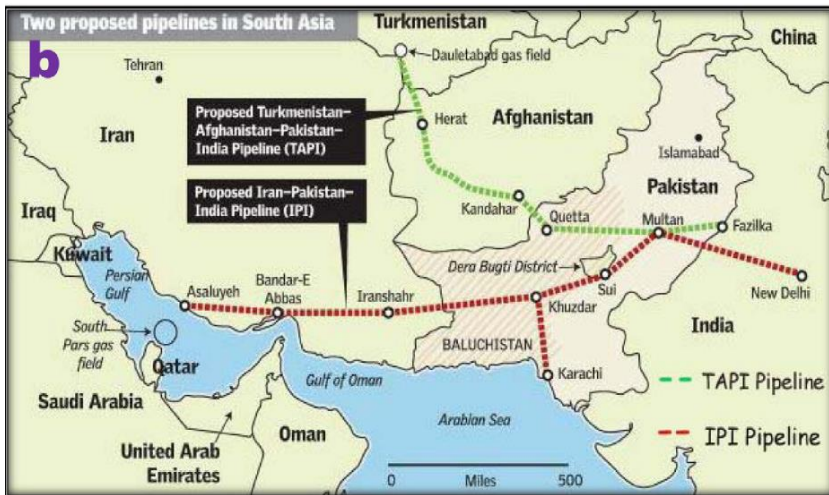
با گذشت سالیان بسیار زیاد همچنان خط لوله تاپی به سرانجامی نرسیده است. است دلایل گوناگونی در خصوص عدم به سرانجام رسیدن خط لوله تاپی وجود دارد. یکی از مهمترین دلایل همانگونه که در بخش اول فصل به آن اشاره شد امنیت صادرات برای کشور تولید کننده است. شرایط نابسامان داخلی افغانستان که در ماه های اخیر و با روی کار آمدن طالبان و ظهور مجدد داعش به اوج خود رسیده است موجب نگرانی در خصوص تکمیل و اجرایی شدن خط لوله تاپی را تقویت می کند (Rajpoot,2020:21) سهیل شاهین سخنگوی طالبان در مصاحبه با اسکای نیوز اعلام کرده است که خط لوله تاپی به عنوان پروژه های اولویت دار در بلندمدت افغانستان محسوب می شود و تمام تلاش طالبان بر سر این موضوع است است که بتوانند این پروژه را تکمیل نمایند (Afanasiyev,2021).

مشکلات میان هند و پاکستان بر سر منطقه کشمیر که سابقه تاریخی دارد، موجب تاخیر انداختن پروژه خط لوله تاپی می شود. از طرفی دیگر مشکلات مالی کشورهای عضو خط لوله تاپی مانند افغانستان و پاکستان موجب تاخیر و کند شدن پیشرفت این پروژه می شود.

چشم انداز نامشخص خط لوله تاپی اگرچه با حمایت ایالات متحده آمریکا که بر اساس دور زدن و یا استراتژی دور نگهداشتن ایران از پروژه های انرژی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است اما مهمترین مسئله در خصوص تکمیل این پروژه علاوه بر تامین امنیت، بعد اقتصادی و نیاز به سرمایه گذاری عظیم خارجی برای اجرایی شدن پروژه خط لوله تاپی است که باید بیش از هر عامل دیگری به آن توجه داشته باشیم و آن را مد نظر قرار دهیم. در صورت اجرایی شدن لوله تاپی این خط لوله را می توان رقیب خط لوله صلح ایران و یا سایر خطوط بدانیم که موجب تقویت جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترکمنستان می شود.

۲-۴- خط لوله صلح^۱

تصویر شماره دو: خط لوله صلح و تاپی



منبع: Islam, 2021:3381

خط لوله صلح خط لوله گاز طبیعی میان ایران و پاکستان و هند است. در واقع پس از کشف میدان گازی پارس جنوبی در سال ۱۹۹۸ تلاش برای صادرات گاز ایران به کشورهای همسایه آغاز شده بود (ودادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷). مذاکرات میان ایران و هند برای صادرات گاز به کشور هند از سال ۱۹۷۹ آغاز و در سال ۱۹۸۴ به صورت جدی میان ایران و هند مذاکرات در خصوص صادرات گاز ایران به هند صورت گرفته بود. گاز طبیعی را از میدان پارس جنوبی و عسلویه به کشورهای پاکستان و هند صادر می کند. طول این خط لوله ۲۷۰۰ کیلومتر است که یک هزار

^۱ IPI pipeline

و ۱۵۰ کیلومتر در ایران، ۷۶۰ کیلومتر در پاکستان و ۹۰۰ کیلومتر در کشور هند است (Nazer, 2022: 162-163). ظرفیت خط لوله صلح ۱۵۰ میلیون مترمکعب در روز است که ۹۰ میلیون به هند و ۶۰ میلیون به پاکستان صادر می‌شود. هزینه تکمیل خط لوله صلح بالغ بر هفت میلیارد و چهارصد میلیون دلار است.

بخش ایرانی خط لوله توسط قرارگاه خاتم الانبیا تکمیل شده که با توجه به عدم تکمیل خط لوله پاکستان و هند ایران از این خطه در مورد استفاده داخلی خود مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. بر اساس قرارداد منعقد شده میان ایران و هند کشور ایران به مدت ۲۵ سال تضمین کرده است که گاز خود را با قیمت تضمینی به کشور هند و پاکستان بفروشد.

با توجه به توضیحاتی که در خصوص خط لوله صلح داده شد در صورت اجرایی شدن این پروژه می‌توان یکی از تهدیدهای جدی برای خط لوله تاپی بدانیم. اگرچه خط لوله صلح در بخش ایران تکمیل شده است اما خط لوله در بخش پاکستان و هند همچنان ناتمام مانده و از طرف کشورهای هند و پاکستان مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. کشور پاکستان که با مشکلات اقتصادی روبه‌رو است از اجرایی شدن خط لوله به بهانه‌های مختلف سرباز زده است.

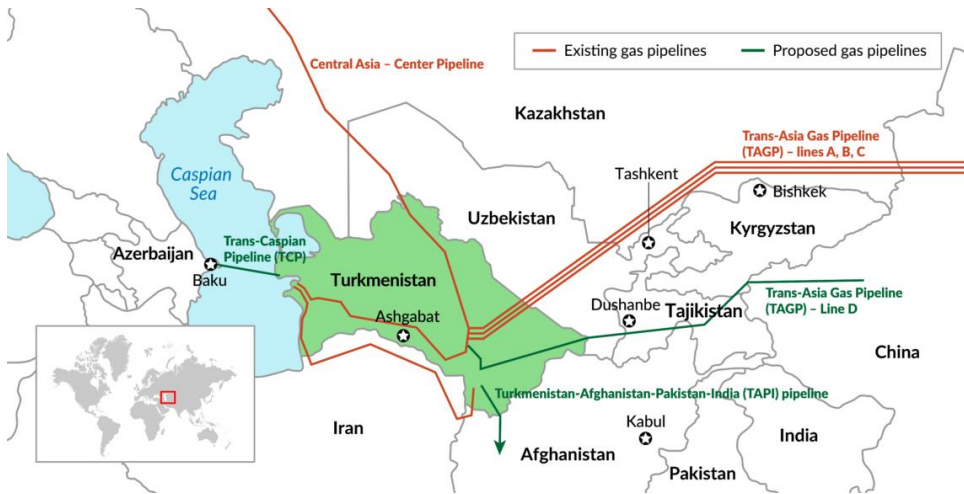
در خصوص هند نیز دیدگاه متفاوت وجود دارد. کشور هند اگر چه به دلیل رشد سریع اقتصادی نیازمند واردات گاز طبیعی است اما به نظر می‌رسد برخی مسائل سیاسی در اجرای نشدن خط لوله صلح و جهت‌گیری کشور هند نسبت به این

پروژه اثر گذاشته است. بنظر می‌رسد لابی کشور عربستان و ایالات متحده آمریکا در کنار گیری کشور هند و بی تمایلی کشور پاکستان بی تأثیر نبوده است. بعد از مذاکرات هسته ای کشور هند و ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۸ کشور هند عدم تمایل از اجرایی شدن خط لوله صلح را اعلام کرد (درج، قنبری، ۱۴۰۰:۱۰۳). پاکستان نیز به بهانه‌های مختلف از جمله عدم منابع مالی کافی از اجرایی شدن پروژه خط لوله صلح سر باز می‌زند. به نظر می‌رسد در صورت توافق ایران و ایالات متحده آمریکا و اجازه این کشور به کشورهای همسایه ایران در خصوص مذاکرات و اجرای پروژه‌های مشترک در زمینه انرژی و به خصوص گاز شاهد تسریع اجرایی شدن خط لوله صلح باشیم.

به نظر می‌رسد با عدم حضور سرمایه گذار خارجی و همچنین کاهش تنش ایران و آمریکا که به نوعی مجوز همکاری هند با ایران را در زمینه انرژی با برداشتن تحریم ها را صادر نماید شاهد عدم اجرایی شدن خط لوله صلح علی رغم تمایل هر سه کشور و منافع آنها از لحاظ اقتصادی باشیم. اگرچه منافع اقتصادی این کشورها از اجرایی شدن خط لوله صلح بسیار چشمگیر است اما شرایط سیاسی و دیپلماسی در این پروژه نقش محوری و اصلی را ایفا می‌کند که مانع اصلی و جدی از عدم اجرایی شدن این پروژه را می‌توان بدانیم در اسفند ماه ۱۴۰۲، کمیته انرژی پاکستان با احداث خط لوله گاز تا مرز ایران موافقت کرد و اعلام کرد که به دنبال تکمیل بخش باقی مانده خط لوله صلح است (ایرنا، ۱۴۰۲).

۳-۴- خط لوله گاز آسیای مرکزی - چین^۱

تصویر شماره سه: خط لوله گاز آسیای مرکزی - چین



منبع: Aminjonov, Dovgalyuk, 2023

این خط لوله یک خط لوله گاز طبیعی است که از سه خط لوله موازی A، B، C تشکیل شده و بخش چهارم آن D نام دارد. با رشد جریان مصرف گاز طبیعی در کشور چین در دهه ۲۰۰۰ کشور چین به دنبال تامین گاز طبیعی برای کشور خود شد و تلاش کرد از مسیرهای جدید نیاز خود را تامین کند (Xuanli Liao, 2021: 3-4). آسیای مرکزی با توجه به دارا بودن منابع مناسب گاز و همچنین نزدیکی و هم مرز بودن کشورهای این منطقه با چین بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اعلام استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز این مناطق بیش از پیش مورد توجه چین

¹ Central Asia-China gas pipeline

قرار گرفت. کشورهای آسیای مرکزی نیز تمایل داشتند که از وابستگی آنها و فروش گاز به روسیه کاسته شود و بر اساس تئوری امنیت انرژی کاهش وابستگی به مقصد خاصی یعنی روسیه را دنبال کند. به همین دلیل کشور چین به عنوان گزینه جذابی برای آنها محسوب می‌شد.

سه خط لوله گاز آسیای مرکزی از مرز ترکمنستان و ازبکستان آغاز شده و از مراکز کشور ازبکستان و قسمت جنوبی قزاقستان عبور کرده و به منطقه خودمختار سین کیانگ چین می‌رسد. برای ایجاد این خط لوله نیازمند بود که چین مذاکرات خود را با چندین کشور دنبال نماید. برای این امر چین ابتدا با قزاقستان و سپس با کشور ترکمنستان به مذاکره پرداخت. در سال ۲۰۰۷ ساخت بخش ۱۸۰ کیلومتری داخل خاک ترکمنستان و در سال ۲۰۰۸ ساخت بخش ازبکستان و قزاقستان آغاز شد. خط اول یعنی خط a در سال ۲۰۰۹، خط b در سال ۲۰۱۰ و خط c در سال ۲۰۱۴ به بهره برداری رسید (Waihong, 2023). خط A و B توانایی انتقال ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز را در سال دارد و همچنین خط C میتواند در سال ۲۵ میلیارد مترمکعب را به چین صادر نماید. هزینه ساخت خط سه خط لوله به همراه یک واحد سولفورزدایی ۷.۳ میلیارد دلار بوده است.

در خصوص خطوط سه گانه خطوط A و B فقط صادرات گاز ترکمنستان به چین است و خط لوله C به ترتیب ۱۰ میلیارد متر مکعب از ترکمنستان، ۱۰ میلیارد مترمکعب از ازبکستان ۳۵ میلیارد مترمکعب از قزاقستان تامین می‌شود. هزینه ساخت خطوط A و B ابتدا در مجموع ۷.۳ میلیارد دلار و خط C ۲.۲ میلیارد

دلار برآورد شده است. در حالی که این رقم بعدها به ۱۴ میلیارد دلار برای هر سه خط لوله رسیده است.

چین بر اساس امنیت انرژی خود تلاش کرد با ایجاد خط لوله لاین D از وابستگی خود به مسیرهای انرژی از یک کشور و یا از یک مسیر خاص بکاهد. خط لوله لاین D طولانی ۹۶۶ کیلومتر است که از میدان عظیم گالکی نیش ترکمنستان آغاز شده و به غرب چین از طریق عبور از کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان می‌رسد. ظرفیت خط لوله لاین دی ۳۰ میلیارد متر مکعب به طور سالیانه است. برای ایجاد این خط لوله در سال ۲۰۱۳ قراردادهایی در این خصوص به امضا رسید. قراردادهایی که در سپتامبر ۲۰۱۳ توسط ازبکستان تاجیکستان و قرقیزستان به امضا رسید. به این دلیل که اغلب خط لوله لاین دی از کشور تاجیکستان عبور می‌کند کار ساخت خط لوله را از تاجیکستان آغاز کردند (Wang, 2022).

۴-۴- سوآپ گازی^۱

سوابق سوآپ گازی در کشور ایران به سال ۲۰۰۴ و توافق با آذربایجان برمی‌گردد. بر اساس این توافق ایران متعهد شد که تا ۲۵ سال معادل گاز دریافتی از آذربایجان را در جمهوری نخجوان تحویل دهد. حجم سوآپ در سال ۲۰۱۷ بالغ بر ۰.۶ میلیارد متر مکعب در سال بود. همکاری گازی میان ایران و ترکمنستان با توجه به بدهی های ایران به ترکمنستان در سال های اخیر به تعلیق درآمده

¹ Gas SWAP

است (BEGJANOV, 2021: 73-74). ایران بر اساس قرارداد منعقد شده در سال ۱۹۹۷ که ۲۵ سال بود متعهد به پرداخت بهای گاز طبیعی وارداتی از کشور ترکمنستان تا ۲۵ سال بود که بهای این واردات برای ایران از طریق صادرات گاز ایران به ترکیه تامین می شد. از سال ۱۳۹۲ ایران از پرداخت بهای بدهی به ترکمنستان سر باز زد و این موضوع باعث قطع واردات گاز ایران از ترکمنستان شد.

در تاریخ ۸ آذر ۱۴۰۰ قراردادی سه جانبه میان ترکمنستان، ایران و آذربایجان در خصوص سوآپ گازی به امضا رسید که بر اساس آن ایران گاز ترکمنستان را دریافت کرده و علاوه بر تأمین گاز مناطق شمالی ایران، گاز را به کشور آذربایجان منتقل می کند. این قرارداد بدون سقف زمانی است و سالیانه یک و نیم تا ۲ میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان را به آذربایجان صادر می کند (O'Byrne, David, 2023). ایران علاوه بر داشت گاز حق ترانزیت نیز در خصوص این قرارداد سوآپ دریافت می کند. به نظر می رسد گسترش همکاری ایران و ترکمنستان به خصوص در زمینه سوآپ موجب تقویت مناسبات و همکاری های انرژی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می شود. کمبود گاز ایران با توجه به تحریم ها و عدم سرمایه گذاری مناسب و خارجی در میدان گازی که موجب کاهش تولید و از سوی دیگر افزایش تقاضا را به دنبال داشته سبب قطعی و یا کمبود گاز در فصل زمستان شده است.

علاوه بر تامین گاز، همکاری های سوال با کشور ترکمنستان موجب افزایش وابستگی کشور ترکمنستان به ایران میشود. کشور ترکمنستان به دلیل محصور

بودن در خشکی امکان دسترسی به آبهای آزاد را ندارد و این مزیتی است که ایران از آن برخوردار است. این توان و ظرفیت برای ایران وجود دارد که در صورت گسترش توان تولید بتوانند از ترکمنستان گاز دریافت کرده و به کشورهایمانند پاکستان و یا حتی در خلیج فارس به مشتریان کشور ترکمنستان تحویل دهد. این نوع همکاری به دلیل وابستگی اقتصاد ترکمنستان به فروش گاز مواضع ایران در زمینه انرژی و تقویت می کند و از سوی دیگر سبب خنثی سازی استراتژی دور بودن ایران از تحولات انرژی که توسط ایالات متحده آمریکا دنبال می شود را به دنبال داشته باشد.

۵-۴- خط لوله بی تی ای^۱

خط لوله گاز جی تی ای که هر کدام از حروف مخفف یک شهر که شامل باکو، تفلیس و ارزروم می شود. این خط لوله از کشور آذربایجان آغاز شده و با عبور از گرجستان به کشور ترکیه و شهر ارزروم می رسد. این خط لوله به طول ۶۹۲ کیلومتر است ست که در سال ۲۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی را از آذربایجان به ترکیه منتقل می کند در این خط لوله شرکت بی پی ۲۸.۸، شرکت نفت ترکیه ۱۹، اسکار ۱۶.۷، پتروناس ۱۵.۵، لوک اوایل ۱۰ و شرکت نفت ایران ۱۰ درصد از مالکیت این خط لوله را در اختیار دارند از ۶۹۲ کیلومتر خط لوله ۴۴۴ کیلومتر در آذربایجان و ۲۴۸ کیلومتر در گرجستان است (Hajimineh, 2024: 13). جمهوری آذربایجان در تلاش است که باید هر قسمت دوم خط لوله ظرفیت خط لوله بی تی ای را تا ۶۰ میلیارد متر مکعب افزایش دهد که این موضوع از طریق ایجاد

¹ BTE pipeline

یک حلقه چاه اضافی در میدان شاهد نیز و توسعه این میدان امکان پذیر است (David O'Byrne, 2023) از سوی دیگر این خط لوله امکان اتصال به خط لوله ترانس خزر را نیز دارد که موجب تقویت توان صادراتی این خط لوله می شود. این خط لوله را می توان شاه راه خطوط لوله های منطقه قفقاز بدانید زیرا هم به خط لوله ترانس خزر متصل می شود و هم به خط لوله تاناب و از طریق آن به تاپ نیز متصل می شود.

۶-۴- خط لوله تاناب^۱

این خط لوله به خط لوله ترانس آناتولی نیز مشهور است. خط لوله تاناب که به خط لوله بی تی ای ل می شود و سراسر ترکیه عبور می کند و به خط لوله تاپ متصل می شود که موجب صادرات گاز آذربایجان از طریق ترکیه به اروپا می شود. ظرفیت خط لوله تاناب ابتدا ۱۶ میلیارد متر مکعب در سال و تا سال ۲۰۲۳ به ۲۳ میلیارد و در سال ۲۰۲۶ ۳۱ میلیارد و اگر خط لوله ترانس خزر تکمیل و به این خط لوله متصل شود ظرفیت صادرات آن به ۶۰ میلیارد متر مکعب در سال می رسد که این موضوع در گروه تکمیل خط لوله ترانس خزر و اتصال آن به این پروژه است (Yesvei, 2018: 27-28). این پروژه در سال ۲۰۱۵ آغاز شد و در سال ۲۰۱۸ به بهره برداری رسید. مالکیت خط لوله تاناب ۵۸ درصد در اختیار شرکت سوکار، ۳۰ درصد در اختیار بوتاس ۱۳ درصد در اختیار شرکت بی پی است.

خط لوله تاناب از ۲۰ استان ترکیه میگذرد. این خط لوله که از پایانه سنگچال آذربایجان آغاز شده به شهر اسکی شهیر ترکیه می رسد. از طریق مرز ترکیه و

¹ TANAP pipeline

یونان به کشور یونان و سپس بعد از آن به ایتالیا می رود این مسیر از ترکیه به اروپا توسط خط لوله تاپ صورت می پذیرد (Cetinyokus, 2024). این خط لوله بسیار پر اهمیت و از لحاظ ژئوپلیتیکی مورد توجه است زیرا کشور آذربایجان از این طریق و بدون نیاز به روسیه گاز خود را به اروپا صادر می کند و از سوی دیگر ترکیه نقش ترانزیتی و محوری در منطقه پیدا کرده و موقعیت خود را بیش از پیش تقویت می کند. از سوی دیگر موجب متنوع سازی مسیرهای انرژی برای کشورهای اروپایی و کاهش وابستگی آنها به روسیه در خصوص تأمین گاز طبیعی می شود و باعث میشود کشورهای اروپایی مزیت خوب و مناسبی را به دست بیاورند.

۷-۴- خط لوله ترانس آدریاتیک (تاپ)^۱

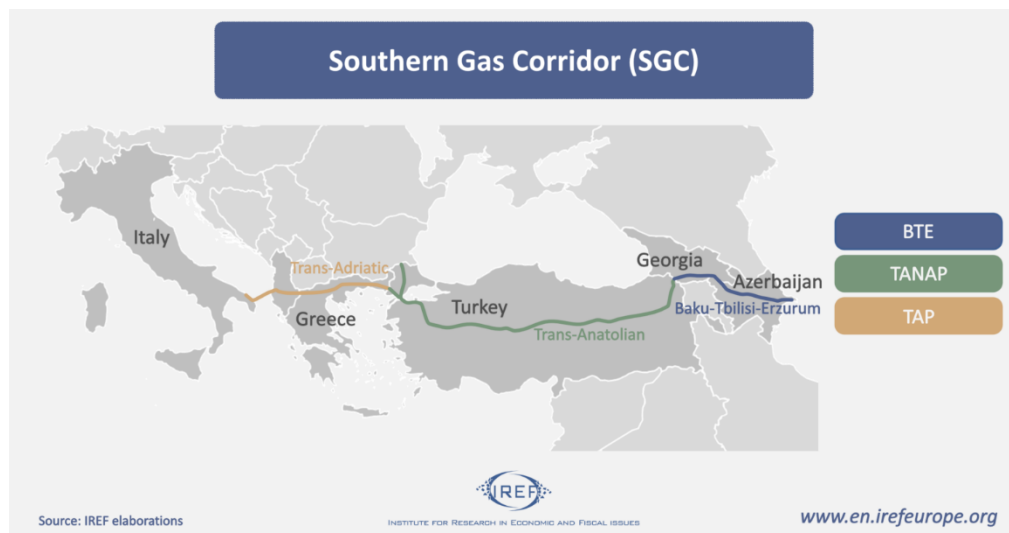
خط لوله ترانس آدریاتیک خط لوله انتقال گاز است که طرح آن در سال ۲۰۰۳ و استارت شروع آن در سال ۲۰۱۶ و بهره برداری از این خط لوله در سال ۲۰۲۰ بوده است. این خط لوله ابتدا در میدان شاهد نیز آغاز شده و توسط خط لوله بی تی ای وتانپ به گاز آذربایجان متصل میشود. شرکتهای بی پی و سوکار بخشی از مالکیت این خط لوله را دارا هستند (Giannini, 2023). خط لوله تاپ دارای ظرفیت ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال است که ۸ میلیارد به ایتالیا، یک میلیارد به یونان و یک میلیارد به بلغارستان صادر می شود. خط لوله تاپ در مرز یونان و ترکیه در شهر کیپوی به خط لوله ترانس آناتولی متصل می شود. این خط لوله از یونان و دریای آدریاتیک عبور می کند و در نزدیکی سان فوکا به سواحل ایتالیا می رسد.

^۱ TAP pipeline

طول خط لوله ۸۷۸ کیلومتر است. کل هزینه ساخت خط لوله تاپ ۴.۵ میلیارد دلار بوده است (Slejko,2021:3350).

خط لوله بی تی ای و تاناپ و تاپ را می توان پروژه های به هم پیوسته دانست. این خطوط سه گانه موجب متصل شدن گاز آذربایجان و ترکمنستان به ایتالیا است و در این میان کشور ترکیه می تواند موقعیت خود به عنوان کشور توضیحاتی را تقویت کرده که علاوه بر رفع نیاز گاز خود از جایگاه مهم در انرژی منطقه برخوردار شود. نکته مهم بعدی که در بالا به آن اشاره شد ایجاد متنوع سازی مسیر چه برای ترکمنستان با تکمیل خط لوله ترانس خزر و اتصال آن به خط لوله بی تی ای و همچنین آذربایجان است که پیش از این برای صادرات متکی به کشور روسیه بودند. از سوی دیگر کشورهای اروپایی نیز از پروژه هایی از این قبیل استقبال کرده زیرا بر اساس تولید امنیت انرژی موجب متنوع سازی مسیر انرژی و پیدا شدن مشتری های جدید برای کشورهای تولید کننده و همچنین کاهش وابستگی کشورهای اروپایی به گاز روسیه است (Rzayev,2023:62). در زیر تصویر سه خط لوله تاناپ، تاپ و بی تی ای مشاهده می شود.

تصویر شماره چهار: خط لوله های BTE, TAP and TANAP



منبع: Paata Sheshelidze, 2023

۸-۴- خط لوله دولت آباد- سرخس - خانگیران

این خط لوله که به دلیل دولت آباد سالیپ یار هم معروف است که یک خط لوله انتقال گاز طبیعی است که از میدان گازی دولت آباد ترکمنستان آغاز شده و به خانگیران ایران متصل می شود. تصمیم برای ساخت تله در سال ۲۰۰۹ گرفته شد. خط لوله دولت آباد سالیپ یار در سال ۲۰۱۰ و با حضور احمدی نژاد و قربانقلی بردی محمداف افتتاح شد. این خط لوله از میدان دولت آباد آغاز می شود و در منطقه دریالیک از خط لوله آسیای مرکزی به مرکز است و در این منطقه منشعب می شود. خط لوله سرخس ۱۸۲ کیلومتر طول دارد و توان صادرات سالانه ۱۲ میلیارد مترمکعب را دارد. خط لوله سرخس پس از طی مسیر با طول ۳۵ کیلومتر

گاز را به پالایشگاه شهید هاشمی نژاد خانگیران منتقل میکند. ظرفیت خط لوله در ابتدا ۶ میلیارد بود که بعدها به ۱۲ میلیارد مترمکعب افزایش پیدا کرد (Liang, 2020: 83).

بر اساس برآوردها هزینه ساخت خط لوله دولت آباد- سرخس- خانگیران ۱۸۰ میلیون دلار بوده است. ایجاد این خط لوله تحولی بزرگ در روابط ایران و ترکمنستان بود و موجب تقویت و افزایش ظرفیت صادرات گاز ترکمنستان به ایران و موجب دو برابر شدن ظرفیت صادرات گاز ترکمنستان به ایران بود. در صورت استفاده از تمام ظرفیت خط لوله دولت آباد- سرخس- خانگیران توان مناسب برای صادرات گاز کشور ترکمنستان به وجود می آید. محصور بودن کشور ترکمنستان در خشکی موجب تمایل این کشور در خصوص همکاری های انرژی با کشورهایمانند ایران میشود. ایران نیز در صورت گسترش همکاری علاوه بر رفع نیازهای داخلی نقش خود را در حوزه انرژی تقویت و موجب افزایش نفوذ ایران در منطقه و تقویت جایگاه ژئوپلیتیک ایران می شود. علاوه بر این برخی کریدورها مانند کریدور عرب- مد بر روی همگرایی در منطقه غرب آسیا نقش کلیدی ایفا نماید.

۵- کریدور عرب-مد

تصویر شماره پنج: کریدور عرب-مد



منبع: Das, 2024

در حالی که ابتکار جاده کمربند¹ در برخی کشورها انتقاداتی را به دنبال دارد، عمدتاً به دلیل افزایش بدهی در کشورهای مستقل، کارشناسان به ارتباط ژئوپلیتیکی کریدور هند-عربی-مدیترانه و پاسخ احتمالی به BRI چین نگاه می کنند. کریدور عرب-مد هزاران کیلومتر شبکه چندوجهی جاده، کشتی، راه آهن است که هند را به کشورهای عربی و یونان متصل می کند. گسترش شبکه حمل و نقل امکان حمل سریع تر کالا از اروپا به هند را فراهم می کند. این پروژه باعث می شود که اتکا به کانال سلوغ سوئز کاهش یابد.

¹ BRI

در حالی که BRI بسیار بزرگتر است، نمی توان انکار کرد که تکمیل موفقیت آمیز هند-عربی - مدیترانه جایگزینی برای شبکه های زنجیره تامین موجود خواهد بود. این موضوع عمدتاً به بخش کشاورزی، انرژی و صنایع فناوری کمک خواهد کرد. این طرح بلندپروازانه از عادی سازی روابط بین امارات و اسرائیل استارت آغاز آن شکل گرفت. هدف این طرح این است که از بنادر، خطوط راه آهن در منطقه خلیج فارس برای ارسال اقلام غذایی از هند به خاورمیانه و سپس به اروپا استفاده شود. برای هند، این به معنای انتقال منابع نفتی سریعتر از قبل به هند است. این طرح متکی بر شبکه ریلی بین امارات و اسرائیل از طریق عربستان سعودی و اردن است. بندر حیفا اسرائیل به عنوان رابط با دریای مدیترانه عمل خواهد کرد. اتصال بندر حیفا به بندر پیرئوس در یونان به این معنی است که کالاهای هندی می توانند به بازارهای اصلی اروپا برسند. برای یونان، این همکاری با اسرائیل برای مقابله با ترکیه از دریای مدیترانه مفید خواهد بود. این مسیر پیشنهادی همچنین جایگزینی برای کریدور بین المللی شمال-جنوب خواهد بود. هند می تواند به جای بندر چابهار در ایران به بنادر امارات اتکا کند (Das, 2024:36-38).

نکته ای بسیار مهمی که در خصوص کریدور عرب-مد مورد توجه کشورهای حاضر در آن قرار گرفته، انرژی است. فناوری های نوآورانه، از جمله فناوری های مربوط به تولید، ذخیره سازی و استفاده از انرژی تولید شده از منابع تجدیدپذیر، مهمترین بخشها برای ادغام زنجیره

ارزش آینده در راهگذر هند به اروپا یا همان عرب مدیترانه هستند (لطفی و صفوی، ۱۴۰۱: ۷۳).

۶- نقش انرژی در همگرایی در منطقه غرب آسیا

همانطور که در قسمت های قبل و پروژه های انرژی مشاهده میشود، انرژی امروزه به عاملی بسیار مهم در همکاری و همگرایی منطقه غرب آسیا مبدل شده است. درهم تنیدگی اقتصادی ناشی از پروژه های انرژی سبب شده است که کشورها به دلیل منافع اقتصادی یکسان تلاش کنند پروژه های مشترک را دنبال کنند. دارا بودن ذخایر سرشار نفت و گاز سبب شده است که کشورها مجبور به همکاری با یکدیگر به دلیل محدودیت های جغرافیایی یا زیر ساخت ها برای صادرات گاز شود. بر اساس نظریه وابستگی متقابل، اجرایی شدن پروژه های انرژی که حداقل دو کشور در آن ایفای نقش می کنند می تواند بعد همکاری را بهبود ببخشد و از تعارض و تقابل میان کشورها جلوگیری نماید. ایران نیز بر اساس این نظریات و پس از جنگ اوکراین به دنبال متنوع سازی مسیر صادرات و واردات انرژی خود است (حاجی مینه و رضایی راد، ۱۴۰۳). برای درک بهتر نقش انرژی در همگرایی در منطقه غرب آسیا به بررسی یکی از طرح های معروف انرژی در این منطقه یعنی خط لوله تاپی پردازیم. خط لوله تاپی که با عبور از چهار کشور پروژه ای چند جانبه است مثالی بسیار مناسبی در این خصوص است.

کشورهای عضو این خط لوله از اختلافات سیاسی و... با یکدیگر رنج می برند. موضوع اختلاف کشمیر که از زمان استقلال کشور پاکستان میان دو کشور وجود

دارد (درج، ۱۴۰۲: ۷-۱۱) یا اختلافات میان افغانستان با پاکستان نشان دهند دشوار بودن همکاری‌ها است. اما چه چیزی سبب نزدیکی و تمایل کشورها به همکاری در این خصوص شده، انرژی و نیاز کشورها است. در واقع کشورها بر اساس منافع و نیازهای خود تلاش می‌کنند که همکاری‌هایی را با کشورها حتی با وجود اختلافات سیاسی داشته باشند. این موضوع می‌تواند در آینده سبب کاهش اختلافات میان پاکستان و هند به عنوان مثال شده و الگوهای همگرایی بیش از پیش تقویت شود. همکاری‌هایی که می‌تواند فراتر از ابعاد اقتصادی مانند انرژی برود و ابعاد سیاسی، فرهنگی و مانند آن را نیز در بر بگیرد.

به نوعی می‌توان عنوان کرد که انرژی با توجه به نیاز کشورها برای همکاری‌های عملی بسیار مهم در زمینه گسترش همکاری و تقویت الگوی همگرایی است. کشورها با توجه به منافع اقتصادی و انرژی خود تلاش می‌کنند که سیاست‌های خود را تعریف کنند. کشورها به خصوص پس از کووید ۱۹ و جنگ اوکراین که منجر به تورم‌های جهانی و کمبود عرضه در بازارهای جهانی شده است (Jiang, 2021: 2-3) به دنبال افزایش همکاری‌های خود در زمینه انرژی هستند تا به تقویت امنیت انرژی خود بپردازند. این عامل سبب شده است که انرژی بتواند عامل همگرایی محسوب شود که تاثیر گذاری بسیار زیادی در روابط میان کشورها دارد.

نتیجه‌گیری

نقش انرژی از گذشته تا به امروز غیر قابل انکار بوده است. منطقه غرب آسیا یا خاورمیانه نیز با توجه به دارا بودن ذخایر سرشار نفت و گاز طبیعی، انرژی در آن جایگاه ویژه ای دارد. ظرفیت انرژی به عنوان پارامتری که بر اساس چهارچوب نظری وابستگی متقابل، این توانایی را دارد که موجب به هم پیوستگی و همکاری هرچه بیشتر کشورها را فراهم نماید. می توان عنوان کرد که انرژی در منطقه غرب آسیا اغلب به عنوان عاملی در راستای همگرایی بوده است. ساخت خطوط لوله های جدید و افزایش همکاری کشورها، مهر تاییدی در این خصوص است. پروژه هایی مانند خط لوله تاپی اگرچه دارای اهداف سیاسی و ... است اما نشان دهند این نکته است که کشورهایمانند پاکستان و هند که از گذشته تا به امروز دارای اختلافات بسیار جدی بوده اند، با چشم پوشی از آنها تلاش می کنند در زمینه انرژی همکاری هایی را داشته باشند.

مسئله ای که نشان می دهد کشورها حتی با وجود اختلافات جدی در موضوعات جدی سیاسی، رویکردی متفاوت در خصوص انرژی اتخاذ می کنند. نکته ای که نشان می دهد انرژی با وابستگی و درهم تنیدگی اقتصادی توانسته است الگوهای همگرایی را در منطقه غرب آسیا ایجاد نماید. اگرچه در برخی موارد خطوط لوله ها و مباحث مربوط به انرژی، واگرایی و شکل گیری جریانات سیاسی و جبه گیری هایی را ایجاد کرده است اما موارد چینی بسیار کم و محدود بوده است. نکته ای که باید آن را در حضور برخی قدرت های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا جستجو کرد. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا در سال های اخیر تلاش

کرده است تا با برنامه طرح های انرژی و خطوط لوله بدون حضور ایران، تلاش کند ایران را از معادلات انرژی دور نگه داشته باشد. سیاستی که نشان می دهد انرژی در برخی موارد می تواند واگرایی و تنش هایی را ایجاد نماید.

به طور کلی انرژی به عنوان عنصری تاثیرگذار، نقش جدی در ایجاد وابستگی و درهم تنیدگی اقتصادی و سیاسی بر اساس نظریه وابستگی متقابل در منطقه غرب آسیا داشته است. عاملی که موجب ایجاد طرح و پروژه های مشترک میان کشورهای این منطقه شده است. وابستگی متقابل هرچه بیشتر میان کشورهای منطقه در خصوص انرژی، الگوهای همگرایی را تقویت بخشیده است. گرچه این همگرایی ها بیشتر رنگ و بوی اقتصادی به خودش گرفته است اما با گذشت زمان از ابعاد اقتصادی فراتر رفته و بعدها دیگرمانند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به خود می گیرد. که این نوع وابستگی ها نیازمند همکاری اقتصادی و به خصوص انرژی برای نزدیکی هرچه بیشتر و شکل گیری همکاری توسط آن در ابتدا و شکل گیری آن است.

منابع

۱. احمدی، حمید. (۱۴۰۰). سیاست و حکومت در خاورمیانه، نشر نی، تهران، ایران.
۲. ایرنا. (۱۴۰۲). کمیته انرژی پاکستان با احداث خط لوله گاز تا مرز ایران موافقت کرد. <https://www.irna.ir/news/85396100/>
۳. حاجی مینه، رحمت. (۱۴۰۱). دیپلماسی انرژی قدرت های جهانی و منطقه ای (۳+۳)، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران.
۴. حاجی مینه، رحمت، رضایی راد، ابراهیم. (۱۴۰۳). امنیت انرژی ایران پس از جنگ اوکراین. فصلنامه روابط خارجی، ۱۶(۱)، ۸۹-۱۱۶. doi: 10.22034/fr.2024.405798.1408
۵. درج. (۲۰۲۳). ریشه ها و عوامل تأثیرگذار در پیدایش و تداوم بحران کشمیر. جغرافیا و توسعه ناحیه ای 10.22067/JGRD.2023.77581.1166
۶. درج، حمید و قنبری، داریوش. (۱۴۰۰). تأثیر همکاری های هسته ای آمریکا و هند بر روابط هند و ایران. مطالعات شبه قاره، ۱۳(۴۱)، ۹۳-۱۱۲. doi: 10.22111/JSR.2020.27304.1851.
۷. شایان، فاطمه. (۱۴۰۲). نقش صادرات انرژی در گسترش روابط ترکمنستان و هند. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۶(۲)، ۲۰۱-۲۲۲. doi: 10.22059/jcep.2023.356639.450137
۸. کیوهن، رابرت، نای، جوزف. (۱۳۹۹). از وابستگی متقابل تا حکمرانی جهانی. نشر قومس، تهران، ایران.
۹. لطفی، میلاد و صفوی، سید حمزه. (۱۴۰۱). پیامدهای تکمیل راه گذر عرب مدیترانه و چالش های پیش روی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۴(۱)، ۹۲-۱۵۲۷۳۲۶۴. doi: 10.22034/fasiw.2022.15273264
۱۰. ودادی کلانتر، سعید، سیف البین، امیرعلی، و حاجی نژاد، احمد. (۱۳۹۷). بررسی رفتار پاکستان و هند در قبال دو خط لوله تاپی و صلح با رویکرد نظریه «بازی ها» و ارائه پیشنهاد های راهبردی برای ایران. راهبرد اقتصادی، ۷(۲۷)، ۶۵-۹۴. SID. <https://sid.ir/paper/233865/fa>

11. Afanasiev, Vladimir.(2021). Taliban: Tapi gas pipeline is a priority project.
<https://www.upstreamonline.com/production/taliban-tapi-gas-pipeline-is-a-priority-project/2-1-1053761?zephrossoott=XLZFn>.
12. Ali, Y., Ahmad, M., Sabir, M., & Shah, S. A. (2021). Regional development through energy infrastructure: a comparison and optimization of Iran-Pakistan-India (IPI) & Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India (TAPI) gas pipelines. *Operational Research in Engineering Sciences: Theory and Applications*, 4(3), 82-106.
13. Aminjonov,F, Dovgalyuk,O.(2023). Central Asia–China Gas Pipeline (Line A, Line B, and Line C).
<https://thepeoplesmap.net/project/central-asia-china-gas-pipeline-line-a-line-b-and-line-c>.
14. Auzanneau, M. (2020). *Oil, power, and war: a dark history*. Chelsea Green Publishing.
15. BEJANOV, A. (2021). Turkmenistans Energy Exportation Deals With Iran. *Econder International Academic Journal*, 5(1), 69-80.
16. Bichler, S., & Nitzan, J. (2020). Arms and oil in the Middle East: A biography of research. In *Rethinking Israel and Palestine* (pp. 88-110). Routledge.
17. BP Energy Outlook 2023,
<https://www.bp.com/content/dam/bp/business-sites/en/global/corporate/pdfs/energy-economics/energy-outlook/bp-energy-outlook-2023.pdf>.
18. Cetinyokus, S., Dinc, D., & Ata, S. (2024). Consequences analysis of a natural gas pipeline: The case of the trans-Anatolian natural gas pipeline. *Process Safety Progress*.
19. Claes, D. H., & Garavini, G. (2020). *Handbook of OPEC and the global energy order*. Routledge, London.
20. Das, D. (2024). Revisiting the contours of the evolving Middle Eastern order through the India-Middle East-EU Corridor: mapping India's scopes and limitations. *Asian Journal of Political Science*, 32(1), 35–56.
<https://doi.org/10.1080/02185377.2024.2322498>.

21. Giannini, V., Pitti, I., & De Luigi, N. (2023). Why Do People Disobey the Law? Emotions and Reasons in the Protest Against the Trans-Adriatic Pipeline. In *Democratic Protests and New Forms of Collective Action: When Disobedience is Social* (pp. 161-172). Cham: Springer Nature Switzerland.
22. Hajimineh, R., Rad, E. R. (2024). CONSEQUENCES OF THE UKRAINE WAR ON GLOBAL SECURITY FROM THE GEOPOLITICS OF ENERGY PERSPECTIVE. *INTPOLSEC*, 52.
23. Hajimineh, Rahmat, and Ebrahim Rezaei Rad. 2024. "The Future of Renewable Energy in Iran's Energy Policy". *Future Energy* 3 (3):1-13. <https://fupubco.com/fuen/article/view/156>.
24. Hamilton, J. D. (2013). Historical oil shocks. In *Routledge Handbook of major events in economic history* (pp. 239-265). Routledge.
25. Hao, W., Shah, S. M. A., Nawaz, A., Asad, A., Iqbal, S., Zahoor, H., & Maqsoom, A. (2020). The impact of energy cooperation and the role of the one belt and road initiative in revolutionizing the geopolitics of energy among regional economic powers: an analysis of infrastructure development and project management. *Complexity*, 2020, 1-16.
26. Hao, W., Shah, S. M. A., Nawaz, A., Asad, A., Iqbal, S., Zahoor, H., & Maqsoom, A. (2020). The impact of energy cooperation and the role of the one belt and road initiative in revolutionizing the geopolitics of energy among regional economic powers: an analysis of infrastructure development and project management. *Complexity*, 2020(1), 8820021.
27. Heer, J. K. (2023). *GEOECONOMICS AND NETWORKING DIPLOMACY OF CHINA IN CENTRAL ASIA*.
28. Ifflander, H., & Soneryd, L. (2014). The relative power of environmental assessment as a governance tool: organization and the case of the Nord Stream gas pipeline. *Impact Assessment and Project Appraisal*, 32(2), 98-107.
29. Islam, A., Hossain, M. B., Mondal, M. A. H., Ahmed, M. T., Hossain, M. A., Monir, M. U., ... & Awual, M. R. (2021). Energy challenges for a clean environment: Bangladesh's experience. *Energy Reports*, 7, 3373-3389.

30. Jiang, P., Van Fan, Y., & Klemeš, J. J. (2021). Impacts of COVID-19 on energy demand and consumption: Challenges, lessons and emerging opportunities. *Applied energy*, 285, 116441.
31. LIANG, M., ZHANG, Y., PENG, Y., SUN, L., REN, Z., ZHANG, Q., & YANG, Y. (2020). Turkmenistan's natural gas industry and diversification of exports. *Journal of Oil & Gas Storage and Transportation*, 2(2), 78-86.
32. Mills, R. (2022). Evolution of Energy Fluxes and Cooperation Models in the Middle East. *Istituto Affari Internazionali (IAI)*.
33. Mukhammadsidiqov, M., & Turaev, A. (2020). The Influence Of The Energy Factor On Modern International Relations. *The American Journal of Political Science Law and Criminology*, 2(12), 5-15.
34. Naazer, M. A. (2022). Great Powers, Core Members, and the Fate of Regional Cooperation: A Study of Indian and the US Behavior towards India-Pakistan-Iran Gas Pipeline Project. *Journal of South Asian Studies*, 10(1).
35. O'Byrne, David.(2023). Turkmenistan-Iran-Azerbaijan gas swaps surge. <https://eurasianet.org/turkmenistan-iran-azerbaijan-gas-swaps-surge>.
36. Olawuyi, D. S. (2021). Can MENA extractive industries support the global energy transition? Current opportunities and future directions. *The Extractive Industries and Society*, 8(2), 100685.
37. Rajpoot, A. R., & Naeem, S. (2020). Geopolitics of Energy Pipelines: Case Study of TAPI and IP gas Pipelines. *International Journal on Integrated Education*, 3(8), 15-22.
38. Razavi, S. A., & Ahmadian Yazdi, F. (2020). Study the Impacts of Covid-19 Pandemic on Oil Market in Iran and the Globe. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 9(36), 183-209.
39. Rusbult, C. E., & Van Lange, P. A. (2008). Why we need interdependence theory. *Social and personality psychology compass*, 2(5), 2049-2070.
40. Rzayev, J., & Aliyev, F.(2023). Role of Azerbaijan in Maintaining Energy Security of Europe. *Państwa postradzieckie w procesie modernizacji*, 57.

41. Sheshelidze, Paata.(2023). Azerbaijani Natural Gas to Europe – Expectations and Realities. <https://en.irefeurope.org/publications/online-articles/article/azerbaijani-natural-gas-to-europe-expectations-and-realities>.
42. Slejko, D., Rebez, A., Santulin, M., Garcia-Pelaez, J., Sandron, D., Tamaro, A., ... & Zuliani, D. (2021). Seismic hazard for the Trans Adriatic Pipeline (TAP). Part 1: probabilistic seismic hazard analysis along the pipeline. *Bulletin of Earthquake Engineering*, 19(9), 3349-3388.
43. Solaymani, S. (2021). A review on energy and renewable energy policies in Iran. *Sustainability*, 13(13), 7328.
44. Solomon, H. (2020). The impact of covid-19 on the Middle East and North Africa. *Institute for Contemporary Affairs*, 20(6).
45. Statistical Review of World Energy 2022, <https://www.bp.com/content/dam/bp/business-sites/en/global/corporate/pdfs/energy-economics/statistical-review/bp-stats-review-2022-full-report.pdf>.
46. Waihong Tang & Elmira Joldybayeva (2023) Pipelines and Power Lines: China, Infrastructure and the Geopolitical (Re)construction of Central Asia, *Geopolitics*, 28:4, 1506-1534, DOI: 10.1080/14650045.2022.2062325.
47. Wang, X. (2022). Is the Spillover Hypothesis of Neofunctionalism Functional in an Asian Context? The China–Central Asia and China–Southeast Asia Pipelines in Comparative Perspective. *Asian Perspective*, 46(1), 133-156.
48. Xuanli Liao, J. (2021). China’s energy diplomacy towards Central Asia and the implications on its “belt and road initiative”. *The Pacific Review*, 34(3), 490-522.
49. Yesevi, Ç. G. (2018). Considering Pipeline Politics in Eurasia: South Stream, Turk Stream and TANAP. *Bilge Strateji*, 10(18), 11-52.
50. Yildirim, A. (2023). The Idea of Transmitting Central Asian Energy through Afghanistan: TAPI Natural Gas Pipeline Project. *Eskişehir Osmangazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 24(2), 362-380.